



عکس‌ها: روابط عمومی

گفت‌وگوی «ایران» با حسین پارسایی، کارگردان نمایش «رستم و سهراب»

شاهنامه ما را به سلحشوری و میهن دوستی فرامی خواند

گفت‌وگو

علاقه‌مندی به کهن‌الگوها و ادبیات کهن میهن عزیزمان ایران؛ شاید آن‌طور که شایسته و برازنده عظمت نام ایران زمین باشد در آثار نمایشی کشور مورد توجه واقع نشده است. با مروری در آثار فرهنگی و نمایشی، کمتر شاهد پرداختن به شاهکارهای حماسی- ملی عظیمی چون «شاهنامه فردوسی» حماسه‌سرای بزرگ با خوانش و اجرایی صحیح و قابل‌القا به مخاطبان و علاقه‌مندان ادبیات پارسی هستیم. اما حالا نمایش میدانی «رستم و سهراب» به کارگردانی «حسین پارسایی» به نمایش درآمده تا شاید بتواند عیش و علاقه‌مندان به این دست آثار حماسی- ملی را فرسو نماند. در این خصوص با «حسین پارسایی» که نمایش رستم و سهراب را در باشگاه انقلاب به صحنه برده، به گفت‌وگو نشستیم‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

برای شروع تاملی در خصوص چگونگی شکل‌گیری اثر نمایشی نبرد رستم و سهراب داشته باشیم و بگویید که چرا در اثر استرگی چون شاهنامه، مشخصاً به قصه رستم و سهراب پرداخته‌اید؟

یکی از علاقه‌مندی‌های من ادبیات کهن این مرز و بوم است و طی سال‌ها و تجربیات متفاوتی که من در عرصه تئاتر و نمایش کسب کرده‌ام، شاهنامه فردوسی بیش از هر اثر دیگری برایم با جذابیت‌های بسیاری همراه بوده است از جمله فرصت‌هایی که امکان ساخت و پرداختش به موضوع و مضمون را می‌دهد و اینکه ما چگونه می‌توانیم در فضای هنر نمایشی با همه آنچه که بضاعت امروز تئاتر ماست، به یک حماسه پرداخته و خوانشی صحیح، تأثیرگذار و قابل‌فهم را برای سطوح جامعه از شاهکار حکیم «ابوالقاسم فردوسی» و حماسه‌سرایی بزرگ که نبرد رستم و سهراب یکی از فرازهای تأثیرگذار این گنجینه ارزشمند است، داشته باشیم و شیوه‌های مختلف را از اجرا در سالن‌های مسقف تا آوردگاهی بزرگ در استادیوم پنج هزار نفره تنیس در باشگاه انقلاب تجربه کنیم.

گویید در جایی گفته‌اید که برای اجرای نبرد رستم و سهراب فراخوانده شدید.

همه اینها به نوعی توجه من و همکارانم را به اینکه چرا شاهنامه؟ و چرایی اثر به لحاظ ساختار اجرایی و هر آنچه که از صفر تولید، نگارش، انتخاب بازیگران و اجرای اثر، تماشاگر را از دالان بزرگ را جلب کرد. بنابراین فکری می‌کنم برای اجرای نبرد رستم و سهراب هم باید فراخوانده می‌شدیم. این اجرایی که از نمایشنامه نبرد رستم و سهراب می‌بینید، برداشتی آزاد از شاهنامه است و همه بضاعت یک گروه بزرگ برای اینکه بتوانیم یک مفهوم مشترک را به نمایش بگذاریم که تلاش کرده‌ایم تا در زمان اجرایی اثر، تماشاگر را از دالان بزرگ را نور تویی وقایعی عظیم و حماسی عبور داده و او را در تودرتوی این اثر در دالان زندگی‌شان درگیر کنیم تا این وقایع را به گونه‌ای در زندگی خود احساس کنند.

به عبارتی همه ما می‌توانیم اسفندیار زمان خود باشیم؟

همذات‌پنداری از سوی مخاطبان یا نمایش رستم و سهراب به شکلی بود که همه ما می‌توانیم اسفندیار زمانه خود و پشت و پناه دیگری باشیم برای رستگاری و هر آنچه که در شاهنامه حماسه است و در نهایت ما را به سلحشوری و میهن دوستی فرامی‌خواند. در نبرد رستم و سهراب هم به اینکه چطور می‌توان رستم زمانه خود بود و رستم دستان، برای دستگیری از مردمان سرزمین خود، پرداخته شده و اینها همه در کنار هم مفاهیمی را شکل داده‌اند که ما را به یک باور مشترک و در فرازهایی که تازدی است، ما را به یک «آه» مشترک برسازند و در فرازهایی که ما به رستگاری می‌رسیم و صحبت

یادداشت

محمد صالح سلطانی

منتقد تئاتر

صنعت تبلیغات بر پایه بزرگنمایی بنا شده؛ بر مدار اغراق و درشت نشان دادن همه چیز. تبلیغاتی‌ها خوب بلند چطور چیزهای کوچک را بزرگ و بزرگ را بزرگ‌تر نشان دهند؛ بلند به کلیم‌ها بازی کرده و صفت بسازند و مخاطب را میخکوب چیزی کنند که باید بیشتر فروخته شود.

این، تخصص آنهاست، اما گاهی

مصنوعاتی پیدا می‌شوند که بدون نیاز به ترفندهای تبلیغاتی می‌شود تبلیغشان کرد، چون واقعاً بزرگند، بلکه بزرگ‌تر و بزرگ‌ترین. نمایش «نبرد رستم و سهراب» از این جنس است؛ یک نمایشی که تیم تبلیغاتی نیازی به بزرگنمایی ندارد. همین که واقعیت این شاهکار را خوب ارائه دهد، مخاطب تشنه می‌شود برای تماشا.

«نبرد رستم و سهراب» یک «اتفاق بی نظیر» در تاریخ نمایش ایران است. اصلاً شاید اطلاق کلمه «نمایش» به نبرد رستم و سهراب، اجحاف در حق

آن باشد. این پرفرومنس درخشان

ترکیبی است از چند اتفاق هنری در کنار هم. تئاتر، کنسرت، ادبیات، اجرای فرم، معماری و حتی در برخی صحنه‌ها نمایش‌هایی مهیج از جنس آنچه در سیرک دیده می‌شود. همه اینها در کنار هم با یک کارگردانی حساب شده، اثری را به زمین تنیس باشگاه انقلاب تهران رسانده که بی‌مانند است؛ جلوه‌ای شوکه‌مند از هنر ایرانی.

نظرگاه تازه یک داستان کهن

نبرد رستم و سهراب» آتچنان که از اسمش پیداست، روایتگر داستان

تراژیک شاهنامه فردوسی است؛ قصه سیرکشی پهلوان ایران که به تعبیر حکیم طوس «پرتاب چشم» است. این داستان را همه ما از کودکی شنیده‌ایم اما هنر نویسنده نمایشنامه «نبرد رستم و سهراب» خلق یک نظرگاه تازه در روایت این داستان قدیمی است. طراحی روایت نبرد رستم و سهراب، خلاقانه و بکر است. داستان نه از زاویه دید دانای کل، بلکه از نگاه رستم روایت می‌شود. ما در صحنه اول نمایش با رستمی همراه می‌شویم که مدت‌ها پس از سیرکشی، هنوز روز و شب به آن

اتفاق می‌اندیشد و حالا می‌خواهد در مواجهه با «ما»ی مخاطب، رازی بزرگ از آن روز را افشا کند. در ادامه مسیر نمایش، روایتی نواز داستان را می‌شنویم؛ این‌بار از نگاه رستم. طراحی صحنه‌های نمایش، کاملاً در خدمت این طراحی روایت قرار گرفته و رفت و برگشت‌های مکرر زمانی، ایده «روایت از نگاه رستم» را تقویت می‌کند. همین نظرگاه همزمان مستقل از تمام

دستاوردهای فنی و تکنیکی نمایش، یک امتیاز بزرگ برای «نبرد رستم و سهراب» است که آن را به یک نمایش جاندار و دیدنی تبدیل کرده است و اگر برخی صفح‌های روایی مثل نقصان در روایت داستان عشق سهراب به گرداگرد نبود، نمایشنامه «نبرد رستم و سهراب» را با کیفیتی بهتر در تاریخ تئاتر ایران ماندگار می‌کرد.

یک انتخاب هوشمندانه ترکیب بازیگران «نبرد رستم و سهراب» بی‌تردید یکی از عواملی است که این اثر را برای مخاطبان محبوب می‌کند. امیرآقایی با آن طنین خاص صدا، انتخاب خوبی برای نقش «رستم» است و الناز شاکردوست نقش تهمینه را قابل قبول اجرا می‌کند. بازی سینا مهرداد و پردیس احمدیه هم احترام‌برانگیز است اما برخلاف انتظار، ستاره ترکیب بازیگران «نبرد رستم و سهراب»، بانیمال شومون است؛ بازیگر نقش «اکومنه» با اجرایی حیرت‌انگیز،

نبرد رستم و سهراب

اثر نمایشی اقتباسی از

گزارش

معصومه فغاری

خبرنگار

تأثیرگذاری عمیق و توجه به رویدادهای حماسی ادوار باستان و حس میهن دوستی و شجاعت نیاکان ما که در شاهنامه به عنوان دفتر تاریخ ایران زمین پس از قرن‌ها در تندباد زمانه وزی از آن گسسته نشده؛ بیانگر غرور ملی و اصالت ایرانی است که این روزها با بالا رفتن پرچم کشورمان در عرصه‌های مختلف جهان، با آمیخته مراسم و منش پهلوانی هر ساله مشق می‌شود. علاوه بر این نگاهداشت زبان پارسی که حاصل سه‌دهه رنج زخمه زمانه خود

«حکیم ابوالقاسم فردوسی» است، بر کسی پوشیده نیست. هر چند هر ساله با گرامیداشت یاد و نام این اسطوره بزرگ ادبی ایران از سوی دوستداران مختلف و ادب، سمینار و

یا میزگردهایی برگزار می‌شود، اما به نظر

همذات‌پنداری

از سوی

مخاطبان با

نمایش رستم

و سهراب به

شکلی بود که

همه ما می‌توانیم

اسفندیار زمانه

خود و پشت

و پناه دیگری

باشیم برای

رستگاری و

هر آنچه که

در شاهنامه

حماسه است و

در نهایت ما را به

سلحشوری و

میهن دوستی فرامی

خواند

زمانی متوجه می‌شوید که ترکیب نهایی بازیگران که کنار هم بارها در طول دورخوانی، هم تحت تأثیر متن قرار می‌گیرند و هم با پیشنهادهای عالی خود متن را تحت تأثیر توصیه‌های‌شان قرار داده‌اند. باید گفت که بهترین تیم ممکن برای شکل‌گیری این اثر انتخاب شده است.

به عنوان کارگردان و از منظر خودتان در به صحنه بردن این نمایش حماسی تا چه میزان موفق عمل شده و با زتاب این موفقیت‌رادر حضور و رضایت مخاطبان تا چه میزان چشمگیر و رضایتبخش می‌دانید؟

اساساً تئاتر هنر دشواری است و کوچک و بزرگ هم ندارد. البته ریسک بسیار بزرگی است برای اینکه بتوانیم یک اثر حماسی بزرگ را که مردم بارها آن را خوانده و در ذهن خود هر آنچه که شکوه و عظمت است ترسیم کرده‌اند به نمایش بگذاریم. گروه اجرایی ما از پیدایش سوز و طراحی‌ها تا نخستین روزهای اجرا، تلاش کردند تا آنچه که خواسته و برخاسته از نهاد شاهنامه و داستان اصلی رستم و سهراب و نیاز امروز مخاطب است را ببیند و بشنود تا بتواند مخاطبین را همسو و همراه کند. بنابراین گروه سازنده این نمایش تلاش کرده‌اند از روح بزرگ و حماسی شاهنامه و خط اصلی قصه الهام بگیرند تا نبرد رستم و سهراب همان چیزی باشد که باید.

مخاطبان این نمایش چه کسانی هستند؟

مخاطبان این نمایش را تمام علاقه‌مندان به فرهنگ، ادب و هویت ایرانی به خود اختصاص داده‌اند و هر کسی که ایران، وطن، هویت ایرانی و ملی و پرداختن به پیشینه فاخر و غنی فرهنگ و تفکر ایرانی برایش اهمیت داشته باشد، می‌تواند مخاطب این اثر باشد. در شیوه پرداختن به داستان رستم و سهراب بر این باور بودیم که باید داشته‌های عمیق و غنی شاهنامه را به زبان امروزی و برای مخاطب امروزی بیان کنیم و در عین حال به اصل متن و تفکر اصیل و عمیق شاهنامه وفادار باشیم به گونه‌ای که برای تمام فارسی‌زبانان و ایرانیان قابل توجه باشد. نکته مهم این است که در حال حاضر بخش دولتی اسکان تأمین و تولید چنین آثار بزرگی را ندارد و حمایت مردم با قیمت‌های مختلف در حمایت ملیت از چنین آثاری می‌تواند به نوعی حمایت مخاطبان از آثار بزرگ و فاخری همچون نمایش «نبرد رستم و سهراب» باشد. بنابراین ما تلاش کرده‌ایم با ارائه بلیت در قیمت‌های مختلف که شروع آن از ۴۵۰ هزار تومان است، شرایطی را فراهم کنیم تا تمامی علاقه‌مندان با هر توان مالی، امکان تماشای این اثر را داشته باشند.

لطفاً در پایان گریزی به قطعه پایانی زده و تاملی مختصر در خصوص آن داشته باشید.

قطعه پایانی کلیدواژه و رمزگشایی اثر است که مردم را وامی‌دارد به احترام وطن بایستند و احساس خود را در یک آیین پرشکوه و جمعی به نمایش بگذارند. همه آنچه که در پایان نمایش به اجرا در می‌آید، تهیهی رستی مخاطبانی است که «نبرد رستم و سهراب» را دیده و برای این آب و خاک اشک شوق می‌ریزند و یک صدا او را فریاد می‌زنند. این دقیقاً همان موضوعی است که با تکیه بر آثاری مثل شاهنامه که هدفشان حفظ حرمت خاک وطن و جانفشانی در راه وطن است به نمایش درآمده و به بهانه این نمایش و قطعه پایانی آن مخاطبان کنار هم واحساس زنده بودن ملی و انسجام ایرانی- اسلامی را تجربه کرده و یک صد آن را فریاد می‌زنند.

